



تیسین حکم امام - قدس سره - بر

حضور شیعیان

در نمازهای حرمین شریفین

محدث صادق نجمی

جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ محی الدین انواری

و جناب حجة الاسلام آقای شیخ فضل الله محلاتی دامت افاضاتهما چون ایام برگزاری یکی از فرایض بزرگ اسلامی با محتوای عظیم انسانی، روحانی، سیاسی، اجتماعی؛ یعنی فریضة حج بیت الله الحرام نزدیک است و لازم است در آستانه برقراری جمهوری اسلامی با انقلاب شکوهمند ملت شریف ایران، این فریضة مقدسه، از آثار طاغوت پاکسازی و به اسلام راستین برگردد، به این جهت شما را بعنوان سرپرست حجاج بیت الله الحرام تعیین نموده که با مشورت با مقامات صالحه، هیأتی از افراد صالح و متعهد و با ایمان انتخاب و با همکاری آنان کلیه امور مربوط به حج را تحت نظارت قرار دهید که ان شاء الله تعالی در حکومت جمهوری اسلامی، این فریضة مقدسه با محتوای معنوی خود تحقق یابد و لازم است در این موضوع تذکراتی داده شود:

۱- لازم است به حضرات آقایان علما و روحانیون محترم کاروانها تذکر دهید که قبل از حرکت، مجالسی تشکیل دهند و حجاج محترم را با مسائل شرعی و وظایف انسانی آشنا کنند.

۲- عموم برادران و خواهران اسلامی باید توجه داشته باشند که یکی از مهمات فلسفه حج، ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است و بر دانشمندان و

معمّمین لازم است مسائل اساسی سیاسی و اجتماعی خود را با دیگر برادران در میان گذارند و در رفع آن طرح‌هایی تهیه کنند تا آنان در برگشت به کشورهای خود آنها را تحت نظر علما و ارباب نظر قرار دهند.

۳- در این سال که ایران در آستانه جمهوری اسلامی است و به واسطه تبلیغات ناروای اجانب ممکن است مسلمین بلاد از عمق نهضت اسلامی ایران مطلع نباشند، لازم است آقایان علما و خطبا و دانشمندان محترم با وسائل ممکن، این نهضت مقدس را معرفی نمایند و مقصد مسلمانان ایران را که همان برقراری حکومت اسلامی، تحت پرچم اسلام و هدایت قرآن کریم و پیغمبر مکرم اسلام است گوشزد نمایند که برادران اسلامی ما بدانند ما به جز اسلام و برقراری حکومت عدل اسلامی فکر نمی‌کنیم.

۴- لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه، که موجب تفرق صفوف مسلمین است، احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد تشکیل نماز جماعت در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند. و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است جداً اجتناب کنند.

۵- نیابت از حیّ برای نماز طواف صحیح نیست، باید هر کس خودش به هر نحو می‌تواند نماز بخواند و مجزی است از گرفتن نیاب و از مزاحمت با نمازگزاران اجتناب نمایند.

۶- طواف را به نحو متعارف که همه حجج به جا می‌آورند، به جا آورند و از کارهایی که اشخاص جاهل می‌کنند احتراز شود و مطلقاً از کارهایی که موجب وهن مذهب است باید احتراز شود.

۷- در وقوفین، متابعت از حکم قضات اهل سنت لازم و مجزی است، اگر چه قطع به خلاف داشته باشید.

۸- در این سال که به واسطه انقلاب اسلامی، به برادران و خواهران ما صدمات و ضررهای بسیار از حکومت طاغوتی رسیده است و بسیاری از معلولین از حوادث انقلاب، احتیاج مبرم به کمک دارند، مقتضی است کسانی که می‌خواهند حج استحبابی به‌جا آورند، هزینه آن را صرف در احتیاج برادران و خواهران خود کنند که ثواب آن نزد خدای تعالی بسیار بر حج استحبابی ترجیح دارد. و نیز کسانی که به عنوان سوغات، مصارف ناروا می‌نمایند یا تشریفات و میهمانی‌های خارج از رویه، در وقت برگشت از حج می‌نمایند، مقتضی است

این نحو هزینه‌ها را صرف احتیاج برادران و خواهران علیل و مستمند خود نمایند که خداوند تعالی به آنان اجر و برکت عنایت فرماید!

از خداوند تعالی عظمت اسلام و سعادت ملت مسلمان را خواستار و موفقیت همگان را در کوشش برای به ثمر رسیدن نهضت مقدس امیدواریم.^۱

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

روح الله الموسوی الخمينی - ۵۸/۶/۲۹

بدیهی است در مرحله اول، انجام این وظیفه بر عهده کسانی است که به امام نزدیک بوده‌اند و از پیش از پیروزی انقلاب یا پس از آن، به طور مستقیم در جریان حوادث قرار داشته و سردی و گرمی حوادث را لمس کرده‌اند. ارائه این معلومات همانند دینی است بر گردن آنان که باید آن را نسبت به انقلاب و امام ادا کنند. روشن است که در سال امام خمینی، افزون بر تبیین و بررسی اصل انقلاب، باید نظریات و حکمهای صادر از سوی امام علیه السلام که هر یک انقلابی بود در درون انقلاب، از سوی متخصصان و کارشناسان بررسی شود و درباره هر یک از آنها، همایش‌ها و اجلاس‌ها برگزار گردد و مقالات و سخنرانی‌ها ارائه شود تا اهمیت هر یک از آنها که در تاریخ اسلام برای اولین بار اتفاق افتاده است جلوه کند؛ مانند:

۱- طرح ولایت فقیه بعنوان زیربنای

سال ۱۳۷۸ شمسی برابر با ۱۳۴۰ قمری، از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای - مدظله العالی - به مناسبت یکصدمین سال تولد بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، «سال امام خمینی» نامیده شده است؛ به این منظور که متفکران و مورخان و نویسندگان، هر چه بیشتر به زوایای شخصیت امام بزرگوار و ارزش‌های انقلاب اسلامی بپردازند و آنچه تا حال، چه درباره امام و چه درباره انقلاب گفته یا نوشته شده، تجدید خاطره نمایند و آن را برای نسل جوان، که اینک به حد رشد رسیده است ولی در اثر عدم حضور از کم و کیف انقلاب و شخصیت امام آگاهی دقیق ندارند، شرح دهند و وقایع و حوادث انقلاب را که اینک بیستمین سال خود را می‌گذرانند، تجزیه و تحلیل کنند و علل و عوامل ظهور و پیدایش آن را تفسیر نمایند.

قانون اساسی.

۲- طرح اجتهاد پویا و نقش دو عنصر «زمان» و «مکان» در احکام فقهی.

۳- طرح اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی.

۴- رسمیت دادن به اسلام و به اصل دین باوری در سطح جهان.

۵- نقش نامه امام به گورباچف و آثار آن.

۶- حکم اعدام سلمان رشدی و انعکاس آن در جهان.

۷- اعلان روز جهانی قدس.

۸- مبارزه و مقاومت در برابر استعمار و...

و یکی دیگر از این نظریات، حکم و دستور آن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی و بزرگ مرجع شیعه بر حضور شیعیان در نمازهای اهل سنت در حرمین شریفین است که همانند سایر نظریات و احکام خاص معظم له، دارای ابعاد و آثار و تحوّل شگرفی است که باید علما و دانشمندان، این ابعاد را به جامعه شیعه در سطح جهان بشناسانند و آثار مثبت آن را برای جهان اسلام که امروز و در آینده از آن برخوردار خواهد شد، تبیین نمایند.

مقاله حاضر قدمی است کوتاه در این

مسیر و اقدامی است هرچند نارسا در ایفای این وظیفه که بر اساس علاقه خودم و درخواست برادران گرامی و دست‌اندرکاران فصلنامه وزین «میقات حج» در سطح عموم تنظیم گردید؛ امید است از سوی محققان و دانشمندان در افق کارشناسی و تخصصی پیگیری و ابعاد آن هر چه بیشتر بازشناسی شود.

به طوری که ملاحظه کردید، این حکم در شهریور ماه سال ۱۳۵۸، در اولین مراسم حج تمتع، پس از پیروزی انقلاب از سوی بنیانگذار جمهوری اسلامی علیه السلام خطاب به نمایندگان معظم له در مراسم حج در هشت ماده صادر گردیده است که در این پیام، وظایف حجاج بیت‌الله الحرام، به خصوص وظایف شیعیان به ویژه وظایف حجاج ایرانی بیان شده است.

در بند چهارم این پیام چنین آمده است:

«لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها، از اعمال جاهلانه که موجب تفرّق صفوف مسلمین است احتراز کنند. و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد تشکیل نماز جماعت در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند و



دیگران ملموس و قابل درک است و طبعاً برای علاقمندان به اسلام مایه خوشحالی و دلگرمی و برای دشمنان اسلام رنج آور و نگران‌کننده است.

البته این، ظاهر قضیه است ولی ابعاد معنوی و جنبه‌های مختلف سیاسی-مذهبی این حکم برای جهان اسلام، بیش از آن است که بتوان ارزیابی کرد و جهات گوناگون آن را ارائه نمود. به طور خلاصه می‌توان گفت که: با توجه به شرایط فعلی جهان اسلام و به ویژه جایگاه مهم تشیع، که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به آن دست یافته است، این حکم یکی از بارزترین و سازنده‌ترین احکام و فتاوا است که از سوی یک مرجع تقلید جامع‌الشرایط و آگاه صادر شده و به مرحله اجرا در آمده است.

انگیزه و دلایل مذهبی این حکم:

گرچه ممکن است این حکم امام علیه السلام دارای انگیزه‌های متعدد باشد و عوامل سیاسی و دلایل مختلف اجتماعی-مذهبی آن را ایجاب کند ولی با توجه به حجم مقاله، تنها دو بُعد از این عوامل را مورد توجه قرار داده و به دلایل مذهبی آنها اشاره می‌کنیم:

از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است جداً اجتناب کنند.»

در این بند از پیام امام علیه السلام به چند نکته اشاره شده است که هر یک در خور بحث و بررسی است ولی در این مقاله فقط موضوع حضور شیعیان در نماز اهل سنت را که مهمترین نکته از این ماده است، مورد توجه قرار می‌دهیم و به تبیین و توضیح آن می‌پردازیم.

بی‌شک این حکم از لحاظ حضور شیعیان در نمازهای اهل سنت در حرمین شریفین، یک تحوّل تاریخی و یک دستور بی‌سابقه‌ای بود که نه تنها توانست سیل عظیم زائران شیعه را، که قبل از انقلاب و در طول تاریخ، بهنگام اقامه نماز از مسجدالحرام و مسجدالنبی به سوی هتل‌ها و خیابان‌ها در حرکت بود، متوقف سازد بلکه موجب گردید که این سیل جمعیت را به هنگام اقامه نماز همانند سایر مسلمانان به سوی این دو مسجد و مساجد دیگر در مکه مکرمه و مدینه منوره سرازیر نماید.

و این تحوّل عظیم و دگرگونی شگرف برای کسانی که شاهد مراسم حج قبل و بعد از انقلاب بوده‌اند، بیش از

اختصاص داده است. و دربارهٔ مقابله و مبارزهٔ فرهنگی با اسلام که در این باره کتابها و تألیفات نوشته‌اند، سخن نمی‌گوییم و از گفتگو دربارهٔ اتهامات و افتراهایی که به شخص پیامبر اسلام متوجه ساخته‌اند، صرف نظر می‌کنیم.

و همچنین دربارهٔ حکومت‌های مادی و لائیک، که در طول سالیان متمادی دین را از صحنهٔ سیاست و حکومت و از مداخله در سرنوشت انسانها کنار زده‌اند و در محور اسلام همگی دست به دست هم داده و اتحادیه‌هایی از بلوک شرق و غرب برای این هدف شوم تشکیل داده‌اند، بحث نمی‌کنم و...

ما اینک از جهان معاصر سخن می‌گوییم؛ جهانی که در آن مصائب و آلام بسیار از سوی دشمنان بر اسلام و مسلمین تحمیل گشته است. روزگاری که مشتی صهیونیست در مقابل چشم بیش از یک میلیارد مسلمان، قدس شریف و قبلهٔ اول مسلمانان را به تصرف خویش درآورده و میلیونها مسلمان را از خانه و کاشانهٔ خویش آواره ساخته است. و هر روز عده‌ای از مسلمانان در لبنان و فلسطین زیر بمبها و موشکهای دشمن به خاک و خون کشیده می‌شوند و خانه‌هایشان بر سرشان

* اسلام در مقابله با استکبار جهانی.

** مسألهٔ تشیع و تسنن.

در مورد عامل نخستین و مقابله با استکبار جهانی، باید سه موضوع مورد بررسی قرار گیرد:

الف: دین ستیزی در جهان امروز.

ب: اندیشهٔ امام در مقابله با دین ستیزی.

ج: حج ابراهیمی عامل شکست توطئهٔ دشمنان.

* مسألهٔ دین ستیزی در جهان معاصر:

همانگونه که قرآن مجید در آیات متعدد، خطر مشرکان و دشمنان اسلام را متذکر شده و از عداوت و کینهٔ عمیق آنان نسبت به مسلمین هشدار داده و فرموده است: ﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَزُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ﴾؛ «آنها پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند»^۲ استکبار و دشمنان اسلام در طول تاریخ مقابله با اسلام را در سرلوحهٔ برنامه‌های خویش قرار داده و هیچگاه از این اندیشهٔ باطل غافل نبوده است. ما اینک در صدد پرداختن به گذشته‌های تاریخ نیستیم؛ گذشته‌ای که در آن جنگهای خونین و طولانی، مانند جنگهای صلیبی بخشی از تاریخ اسلام و جهان را به خود

کردن از روسری، ممانعت به عمل آوردن و با این کار روی جنایتکاران دوران قرون وسطایی را سفید کردند!

و ما اگر تنها به انعکاس آمار این نوع مقابله‌ها و رودرویی‌ها با اسلام بسنده کنیم، کتاب قطوری تهیه خواهد شد.

آری، اینگونه است وضعیت اسفبار گروهی از مسلمانان در نقاط مختلف جهان. آنان در وضعیت سخت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار گرفته‌اند و دست نیاز و استمداد به سوی عالمان و دانشمندان مذهبی و سران کشورهای اسلامی دراز کرده‌اند تا شاید از این فشار و شکنجه نجات یابند، اما نه تنها امیدی ندارند بلکه آینده‌ای تلخ‌تر و فشارهای مضاعف و گسترده‌تر در پیش روی خود می‌بینند.

*** اندیشه امام علیه السلام در مقابله با دین‌ستیزی**
از ویژگی‌های برجسته امام راحل علیه السلام، نگرش وسیع وی نسبت به مذهب و باورهای اعتقادی در مقابل مکتب‌های غیرمذهبی بود. او همواره در اندیشه رسمیت دادن و اعاده‌ی مجدد و عظمت به اسلام و گسترش بخشیدن به اصل خداباوری و مقابله با دین‌زدایی در سطح جهان بود و این حقیقت را در سیره نظری و

ویران می‌گردد و گروه‌گروه به سیاه‌چال‌های مخوف و شکنجه‌گاهها فرستاده می‌شوند. آنها به این جنایات بسنده نکرده‌اند و همواره فکر تسلط بر نیل تا فرات و تصرف مکه و مدینه را در سر می‌پرورانند.

ما از روزگاری سخن می‌گوییم که استکبار شرق و غرب در متلاشی کردن انقلاب شکوهمند ملت، چون نشأت گرفته از اسلام بود، متحد شدند و بزرگترین و طولانی‌ترین جنگ را بر آن تحمیل کردند. و همانها رشدی و رشدی‌ها را در دامن خود برای ضربه زدن به اسلام تربیت کردند و روزانه هزاران نفر را قربانی مطامع خویش می‌کنند و به بهانه حقوق بشر در کوبیدن اسلام همپیمان شده‌اند.

همچنین دیدیم که در بوسنی چگونه مسلمانها را گروه‌گروه به خاک و خون کشیدند و گورهای دسته‌جمعی از اجساد مسلمانان زنده‌به‌گور، به وجود آوردند و فرزندان و همسرانشان را آواره بیابانها کردند و امروز همین جنایات در چین و قفقاز و... تکرار می‌شود.

و این به اصطلاح آزادیخواهان، در مهد آزدیشان از ورود دختران دانش آموز مسلمان به کلاس درس، به دلیل استفاده

عملی آن بزرگوار می‌توان به خوبی و وضوح مشاهده کرد. از نمونه‌های بارز آن، نامه آن بزرگوار به گورباچف می‌باشد.

این نامه تاریخی، که پس از نامه‌های رسول خدا ﷺ به قیصر و کسری، برای اولین و آخرین بار به کسی که در رأس هرم مادگیری جهان معاصر قرار داشت ارسال گردیده، روشنگر بینش امام ﷺ نسبت به جایگزین ساختن دین باوری و توجه به معنویات در مقابل مادگیری و دین ستیزی در سطح جهان است.

امام در این نامه، گورباچف را به سوی خدا دعوت کرد و راه استدلال را به او ارائه داد و به وی گفت: «مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خدا است. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است.» چه اثر بدیع و شگرفی از خود به جای گذاشت و چه تحوّل عظیمی، پس از هفتاد سال مبارزه با خدا باوری و مذهب‌گرایی به وجود آورد!

یکی دیگر از نمونه‌های بارز این دید و بینش، هشدار امام نسبت به خطر صهیونیسم جهانی است که از سالها پیش از انقلاب، آن را دنبال کرده و در تاریخ ۵۸/۵/۶، در آستانه اولین ماه رمضان پس از پیروزی انقلاب، روز قدس جهانی را اعلام

کرد و چنین فرمود:

«...من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به هم بپیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را، که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، بعنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند.»^۳

تفرقه عامل تسلط دشمنان:

امام ﷺ آن حکیم فرزانه که تسلط دشمنان و ضعف مسلمانان را در تفرقه و تشتت آنان می‌دید، با ایجاد وحدت و یکپارچگی در گوشه‌ای از جهان، ملتی را به پیروزی رسانید و طومار سلطنت دو هزار و پانصد ساله را در هم پیچید و کشور ایران را از دست استکبار و دشمنان اسلام و انسانیت نجات بخشید.

او راه حل مشکل جوامع اسلامی در سراسر جهان را مورد عنایت خویش قرار داد و رمز پیروزی و راه نجات را، که همان اتحاد و اتفاق است، به آنها ارائه نمود.



چگونه و در کجا؟!

در مراسم حج! حجی که تجلیگاه عظمت و اقتدار پیروان دین حنیف اسلام و مظهر وحدت و اخوت مسلمانان جهان و کانون توحید و یگانه پرستی و مرکز فریاد برائت امت از شرک و بت پرستی است.

حجی که مراسم شگفت‌انگیزش جلوه‌ای بارز از اعتلای دین حق و نمایشگر تمامیت اسلام ناب محمدی و مبارزه با شیاطین است.

آری مراسم حج و اجتماع بزرگ مسلمانان جهان در مکه و مدینه است که می‌تواند اتحاد و اتفاق پیروان اسلام را که آرمان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و اوصیای آن بزرگوار است، محقق و متجلی سازد.

لیکن افسوس که حکومت‌های ستمگر در طول تاریخ و دست مرموز استعمار، به ویژه در یک قرن اخیر، موجب گردید تا روح حقیقی آن به فراموشی

سپرده شود و از ابعاد سیاسی و اجتماعی و عبادی حج، تنها بعد عبادی آن، آنهم خالی از روح واقعی پرستش ترویج و تبلیغ شود.

اینجا است که امام امت به احیای حج ابراهیمی قیام کرد و در مناسبت‌های مختلف در سخنرانیها و پیام‌هایش، ضمن توصیة بسیار به دقت در اعمال حج و فراگیری

مسائل آن و بیان ابعاد معنوی و عرفانی مناسک، جنبه‌های سیاسی و اجتماعی حج را مطرح ساخت و با دعوت جوامع اسلامی به وحدت و همدلی و پرهیز از تشتت و تفرق، که بزرگترین عامل تسلط بیگانگان است، مسلمانان را در مقابله با دشمنان اسلام بسیج کرد.

گرچه دشمنان نیز در مقابل این حرکت عظیم، بی‌کار ننشستند و برای جلوگیری از تحقق چنین تحولی شگرف، با تمام قوا به میدان آمدند و متحجران برای پیشگیری از این هدف عالی، تمام توان خود را بکار بستند ولی استقبال پر شور مسلمانان آگاه و حقایق موجود، نشانگر آن است که این حرکت متوقف شدنی نیست و این موانع ناچیز بر طرف خواهد شد و دیر یا زود مخالفان نیز به موافقان خواهند پیوست.

ابعاد مختلف حج از نظر

امام خمینی علیه السلام

حضرت امام علیه السلام گذشته از رساله‌های عملیه و مناسک حج، مطالب فراوانی در اهمیت جنبه عبادی و لزوم فراگیری و انجام دقیق اعمال حج، برای حجاج بیان کرده و توصیه‌ها و تأکیدات گسترده‌ای از

آن بزرگوار، به صورت سخنرانی و پیام، به مسلمانان در ابعاد فلسفی و عرفانی این اعمال و همچنین در بعد سیاسی-اجتماعی این همایش بین‌المللی-اسلامی شاهدیم که در اینجا به نقل چند نمونه بسنده می‌کنم:

لزوم فراگیری دقیق اعمال حج:

«به زائران بیت الله الحرام-آیدهم الله تعالی-عرض می‌کنم که اعمال و مناسک را به طور دقیق از روحانیون محترم که در کاروانها هستند فراگیرید و به هیچ عملی بدون راهنمایی آنان دست نزنید، چه بسا باشد که خدای نخواستہ با سهل‌انگاری، عملتان باطل شود و جبران آن را تا آخر نتوانید بکنید و یا به احرام باقی بمانید و در برگشت موجبات زحمت خود و نزدیکان خویش شوید و این یک تکلیف شرعی است که از آن غفلت نباید کرد و به روحانیون محترم عرض می‌کنم که علاوه بر آنکه مسائل را به طور وضوح که همه‌کس بفهمد در جلسات متعدد به گروه خود یاد دهید در وقت اعمال آنان نیز مواظب آنها باشید و آنها را هدایت فرمایید.»^۴

«مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌کند، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور

صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود.»^۵

فلسفه و ابعاد عرفانی حج:

در لیبیک لیبیک، «نه» بر همهٔ بتها گویند و فریاد «لا» بر همهٔ طاغوت‌ها و طاغوتچه‌ها کشید و در اطراف حرم خدا، که نشانهٔ عشق به حق است، دل را از دیگران تهی کنید و جان را از خوف غیر حق پاک سازید و به موازات عشق به حق از بت‌های بزرگ و کوچک و طاغوت‌ها و وابستگان‌شان برائت جویند که خدای تعالی و دوستان او از آنان برائت جستند و همهٔ آزادگان جهان از آنان بری هستند.

و در لمس «حجرالأسود» بیعت با خدا بندید، که با دشمنان او و رسولانش و صالحان و آزادگان دشمن باشید و به اطاعت و بندگی آنان هر که باشد و هر جا باشد سرزنشید و خوف و زبونی را از دل بزدایید که دشمنان خدا و در رأس آنان شیطان بزرگ زبונند، هر چند در ابزار آدم‌کشی و سرکوبی و جنایتشان برتری داشته باشند. و در سعی بین صفا و مروه، با صدق و صفا سعی در یافتن محبوب کنید که با یافتن او همه بافت‌های دنیایی گسسته شود و همهٔ شک و تردیدها فرو ریزد و همهٔ خوف و رجا‌های حیوانی زایل



شود و همه دل‌بستگی‌های مادی گسسته شود و از آزادی‌ها شکفته گردد و قید و بند شیطان و طاغوت که بندگان خدا را به اسارت و اطاعت کشند، در هم ریزد.

و با حال شعور و عرفان به مشعرالحرام و عرفات روید و در هر موقف به اطمینان قلب بر وعده‌های حق و حکومت مستضعفان بیفزایید و با سکوت و سکون تفکر در آیات حق کنید و به فکر نجات محرومان و مستضعفان از چنگال استکبار جهانی باشید و راههای نجات را از حق، در آن مواقف کریمه طلب کنید.

پس به منا روید و آرزوهای حقانی را در آنجا در یابید که آن قربانی نمودن محبوبترین چیز خویش در راه محبوب مطلق است. و بدانید تا از این محبوب‌ها که بالاترینش حبّ نفس است و حبّ دنیا تابع آن است، نگذردید به محبوب مطلق نرسید و در این حال است که شیطان را رجم کنید و شیطان از شما بگریزد و رجم شیطان را در موارد مختلف با دستورهای الهی تکرار کنید که شیطان و شیطان‌زادگان همه گریزان شوند.^۶

ابعاد سیاسی - اجتماعی حج:

امام در پاسخ نامه ملک خالد پادشاه عربستان سعودی می‌نویسد:

«اینجانب تمام گرفتاری‌ها و بدبختی‌های مسلمین و دولت‌های کشورهای اسلامی را در اختلاف و نفاق بین آنان می‌دانم. چرا باید دولت‌های اسلامی با داشتن قریب یک میلیارد جمعیت و در دست داشتن ذخیره‌های زیرزمینی، خصوصاً موج‌های نفت که رگ حیات ابرقدرت‌هاست و برخورداری از تعلیمات حیات‌بخش قرآن کریم و دستورات عبادی - سیاسی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که مسلمانان را به اعتصام به «حبل‌الله» دعوت و از تفرقه و اختلاف تحذیر می‌فرماید و با داشتن ملاذ و ملجائی چون حرمین شریفین که در عهد رسول الله - صلوات الله علیه - مرکز عبادت و سیاست اسلامی بوده و پس از رحلت آن بزرگوار مدتها نیز چنین بوده است و طرح فتوحات و سیاست از آن دو مرکز بزرگ سیاسی - عبادی ریخته می‌شده است، اکنون به واسطه کج فهمی‌ها و غرض‌ورزی‌ها و تبلیغات وسیع ابرقدرتها کار را به آنجا بکشانند که دخالت در امور سیاسی و اجتماعی که مورد احتیاج مبرم و از اهمّ امور مسلمین است در حرمین شریفین جرم شناخته شود.»^۷

باز امام خطاب به مسلمانان جهان

می‌فرماید:

«ای مسلمانان جهان، و ای پیروان مکتب توحید، رمز تمام گرفتاری‌های کشورهای اسلامی اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است، که خداوند تعالی در یک جمله بیان فرموده: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ اعتصام به حبل الله، بیان هماهنگی جمیع مسلمین است برای اسلام و به سوی اسلام و برای مصالح مسلمین و گریز از تفرقه و جدایی و گروه‌گرایی، که اساس همه بدبختی‌ها و عقب افتادگی‌هاست.»^۸

«ای مسلمانان جهان، شما را چه شد که در صدر اسلام با عده بسیار کم، قدرت عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی- انسانی ایجاد نمودید. اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگ، که بالاترین حربه است، در مقابل دشمن اینچنین ضعیف و زبون شدید؟! »

آیا می‌دانید که تمام بدبختی‌های شما در تفرقه و اختلاف بین سران کشورهای شما و بالنتیجه، بین خود شماست؟! »

از جای برخیزید و قرآن کریم را به دست گرفته و به فرمان خدای تعالی گردن نهید تا مجد خود و عظمت اسلام عزیز را اعاده کنید.»^۹

نماز جماعت حرمین شریفین، تجلیگاه انس و وحدت مسلمانان جهان

این بود بخشی از پیام‌های امام راحل در بیان علت گرفتاری‌ها و بدبختی‌های مسلمین جهان و کشورهای اسلامی که با در دست داشتن آنهمه امکانات مادی و معنوی دامنگیرشان گردیده است.

و این بود نمونه‌ای از پیام‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران خطاب به مسلمین جهان که روزی با عده‌ای بسیار کم قدرت‌های عظیم جهان را در هم شکستند ولی امروز با همه نیرو و قدرت که در اختیار دارند در مقابل دشمنان اینچنین ضعیف و زبون گشته‌اند.

و این بود عامل آنهمه عزت و شوکت؛ یعنی اتحاد و اعتصام به حبل الله و انگیزه اینهمه ضعف و ذلت؛ یعنی تفرقه و اختلاف که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، مسلمین را بر آن متوجه نموده است.

و از این بحث کوتاه می‌توان به اهمیت حکم امام بر حضور شیعیان در نماز جماعت حرمین شریفین و به علت و انگیزه چنین دستور مهم و فتوای بی‌سابقه‌ای پی برد؛ زیرا گرچه مجموع اعمال و مناسک حج و اجتماع میلیونی



در صفوف فشرده و منسجم در کنار هم قرار می‌دهد و با صدای اذان، در یک زمان مشخص، سیل جمعیت با رنگها و زبانها و ملیت‌های مختلف به سوی مکان مشخص (مساجد) سرازیر می‌شود و با تکبیر مکتب صدها نفر هماهنگ به رکوع می‌روند و سر به سجده می‌گذارند و بر یگانگی خدا و نبوت رسول او شهادت می‌دهند، سپس بر همدیگر درود و تهنیت می‌گویند؛ «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته».

و اینجا است که روح اخوت اسلامی و عواطف معنوی مذهبی در میانشان متجلی می‌گردد و دست همدیگر را می‌فشارند و با همدیگر معانقه و روبوسی می‌کنند و با قیافه‌ای بشاش، که حاکی از محبت درونی است قبولی اعمال یکدیگر را از خداوند مسألت می‌نمایند؛ «تَقَبَّلَ اللَّهُ أَعْمَالَكُمْ»

اینک این پرسش مطرح است که آیا ترک‌کردن این کانون وحدت و گریز از این تجلیگاه انس و الفت، که در بعضی از گروه‌های اسلامی مشاهده می‌شود که بهنگام نماز بر خلاف مسیر سیل جمعیت به سوی منازل و بازارها در حرکتند، موجب انزجار و نگاه خشم‌آلود مسلمانان

مسلمانان در این مراسم پر شکوه، نوعی وحدت و هم‌آهنگی را ایجاد می‌کند؛ حضور در یک زمان و مکان، هم‌رنگی در لباس و یکنواختی شعار این جمعیت میلیونی، که از سراسر جهان در این کنگره عظیم اسلامی شرکت جستند، همه نشانگر پیروی آنان از یک دستور و فرمان و دلیل بر اجرای حکم الهی است و از نظر وجهه خارجی، نمودی از تشکّل بزرگ و سالانه مسلمانان جهان است که در هیچ مذهب و آیینی چنین اجتماع پر شکوه را نمی‌توان یافت، ولی باید به این نکته توجه کرد که هیچیک از اعمال حج نمی‌تواند مانند نماز جماعت حرمین شریفین باصلابت، وحدت‌آفرین و دشمن شکن باشد؛ زیرا هریک از این اعمال، در عین اجتماعی و اشتراکی بودن، به صورت انفرادی و جدا از هم انجام می‌پذیرد و هر انسانی موظف است مواظب و مراقب عمل خویش باشد. در طواف و سعی، رمی و ذبح و... منفرد عمل می‌کند و این اعمال بجز وقوفین از نظر زمان نیز وسیع است و هر کسی می‌تواند در هر ساعت از روز و یا در مدت و در فاصله چند روز مناسک خود را انجام دهد.

و تنها نماز است که همه مسلمانان را

نسبت به این افراد نخواهد شد؟! و به جای آن صفا و صمیمیت، تخم عداوت و دشمنی در دل آنان نخواهد افکند، به ویژه آنکه هر صبح و شام احادیثی به گوششان می‌رسد که پیامبر اسلام فرموده است: «خارج شدن از مسجد هنگام نماز، عمل منافقان است» و باز فرموده است: «شیاطین با شنیدن اذان از مساجد می‌گریزند؟! و طبیعی است هر یک از زائران و حجاج پس از مراجعت به وطن خویش، در سراسر جهان، در محافل و مجالس، ضمن بیان عظمت نماز حرمین شریفین مشاهدات خود را از عملکرد این گروه در جدایی از صفوف مسلمین و بی‌اعتنایی آنها به نماز منعکس و بلکه آنان را بی‌نماز معرفی خواهند نمود و چه پیرایه‌هایی که بر مذهب و آیین آنان و پیشوایان معصومان خواهند افزود؟! و چه داستان‌هایی از انحراف آنان از اسلام و قرآن خواهند ساخت؟! و این حادثه اگر تنها یک بار اتفاق بیفتد، سالیان متمادی فراموش نخواهد شد، چه رسد به آنکه هر سال و هر روز تکرار شود و این همان خواسته دشمنان اسلام است که بدون صرف کوچکترین هزینه‌ای، به آن دست یافته‌اند و مسلماً در تلاشند که به هر وسیله

ممکن، هر یک از گروه‌های دیگر مسلمانان را نیز از این صف فشرده جدا سازند و در میانشان تخم مخالفت و بدبینی بکارند.

دلیل شرعی این حکم:

امام علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

«عقلا و علمای اسلام از صدر اسلام تاکنون کوشش کردند برای اینکه مسلمین همه با هم مجتمع باشند و هم ید واحد باشند بر غیر مسلمین. در هر جا که مسلمی پیدا بشود باید با سایر مسلمین تفاهم کنند و این مطلبی است که خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم سفارش کرده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سفارش فرموده است و ائمه مسلمین سفارش فرموده‌اند و علمای بیدار اسلام این امر را گرفته و کوشش کرده‌اند به اینکه مسلمین را در تحت لوای اسلام به وحدت و یگانگی دعوت کنند.»^{۱۰}

اگر امام علیه السلام در مقام استدلال بر حکم مورد بحث بود و اگر بنا بود دلایل حکم حضور شیعیان در نماز حرمین شریفین را از قرآن و حدیث و منابع اسلامی بیان کند و دلایل مبنایی خویش را با تکیه زدن بر کرسی تدریس و تحقیق و با حضور



كُنتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ
فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنتُمْ عَلَى
شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا
كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ
تَهْتَدُونَ ﴿۱۱﴾

«و همگی به ریسمان خدا (=قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت) چنگ زدید و پراکنده نشوید و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید خدا شما را از آن نجات داد، خداوند این چنین آیات خود را بر شما آشکار می‌سازد، شاید پذیرای هدایت شوید.»

در این آیه شریفه، کلمه «نعمت» تکرار شده است؛ «نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»، «فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» و منظور از این نعمت، همانگونه که علامه طباطبایی فرموده است، همان نعمت الفت و محبت است؛ «فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» و باز ایشان می‌فرماید: این آیات هم جوامع اسلامی را مورد خطاب قرار داده و از اختلاف و تفرقه نهی نموده و هم فرد فرد مسلمانان را.^{۱۲}

۲ - «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا
وَاحْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ

شاگردان ارزنده و فحول حوزه های علمیه، که امروز مقام مرجعیت جهان شیعه را به عهده گرفته‌اند، ارائه نمایند، مسلماً کتاب قطور و ارزشمندی برای جامعه اسلامی و آینده مراکز علمی همانند سایر آثار علمی آن حضرت به یادگار می‌ماند. ولی امام راحل در صدور این حکم و همچنین در سایر پیامها و بیاناتشان، نه در مقام استدلال بوده و نه اینکه شرایط، چنین وضعی را اقتضا می‌کرده است. ولی در عین حال گاهی نیز به‌طور گذرا و اجمال و در سطح فهم مخاطبین و مستمعین، به‌دلیل شرعی نظرات و احکام خویش اشاره فرموده است که از جمله این موارد، گفتار آن حضرت خطاب به حجاج و زائران پاکستانی در سال ۱۳۵۹ می‌باشد که پیشتر آوردیم.

و در اینجا مناسب است مطالبی در توضیح کلام امام به بعضی از آیات و روایات، که مسلمانان را به وحدت دعوت نموده و از تفرقه و دوری برحذر داشته است، بیاوریم:

وحدت مسلمین از دیدگاه قرآن:

۱ - «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا
تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ

وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^{۱۳}

«و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند، (آنهم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید و آنها عذاب عظیمی دارند.»

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: بعید نیست «من بعد ما جائهم البیتات» متعلق به جمله «و اختلفوا» باشد، بنابراین، منظور از اختلاف، اختلاف و تشتت از نظر اعتقاد و منظور از تفرقه، تشتت و تفرقه از حیث ابدان و اجسام است. سپس می‌گوید و علت تقدم «تفرق» بر «اختلاف» در آیه «تفرقوا و اختلفوا» این است که تفرق ابدان مقدمه و عامل اختلاف در آراء و افکار است؛ زیرا اگر دو گروه با همدیگر مرتبط و مجتمع باشند، از لحاظ فکر و اندیشه نیز به همدیگر نزدیک شده و در اثر تماس و تبادل نظر، اتحاد و اتفاق در میانشان حاصل می‌گردد و اما آنگاه که متفرق و از هم دور شوند و ارتباطشان از هم قطع گردد، در میانشان اختلاف مشرب و مسلک پدید می‌آید و موجب تفرقه و درهم شکستن سد استوار وحدت می‌گردد و گویا خداوند متعال در این آیه چنین می‌فرماید: «مانند کسانی نباشید که در مرحله اول با ابدانشان

از هم دور و از جامعه جدا شدند، آنگاه این دوری به اختلاف رأی و اعتقاد در میانشان منتهی گردید.^{۱۴}

وحدت مسلمین از دیدگاه سنت:

این بود دو آیه از دهها آیه‌ای که در مورد اتحاد و اتفاق مسلمانان نازل گردیده است. و اما احادیث و روایات در این زمینه به قدری فراوان است که حتی نقل بخشی از آنها از دایره این بحث خارج است و لذا تنها به نقل یک حدیث، به تناسب موضوع، که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده است اکتفا می‌کنیم و بعضی از روایات را در بخش دوم این بحث می‌آوریم.

مرحوم شیخ حرّعاملی در وسائل الشیعه، با اسناد از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله اینگونه نقل می‌کند:

«من سمع النداء في المسجد فخرج من غير علة فهو منافق الا أن يری الرجوع الیه»^{۱۵}

«کسی که در مسجد صدای اذان را بشنود و بدون علت و بی آنکه قصد مراجعت کند، از مسجد خارج شود، او منافق است!»

این حدیث با مختصر تفاوت در منابع



تضعیف حق و تقویت جبهه باطل و کمکی است بر اهداف دشمنان و همسو شدن با استکبار جهانی. و اینک ما در جبهه هستیم و دشمن در کمین!

مسأله تسنن و تشیع

به طوری که در بخش اول مقاله اشاره کردیم، صدور حکم امام راحل علیه السلام بر حضور شیعیان در نماز جماعت حرمین شریفین، که برای مؤمنان واجب الإجراء و لازم العمل بوده و در آینده نیز شیعیان آگاه، از این حکم تبعیت خواهند کرد، می تواند دارای دو انگیزه و دو عامل مختلف باشد؛ یکی از آنها و یا مهمترینشان، مقابله اسلام و کفر جهانی است. و دیگری مسأله تسنن و تشیع است، که عامل اول در صفحات گذشته بررسی شد و اینک به تبیین و توضیح عامل دوم می پردازیم. لازم است در این زمینه چند موضوع مطرح شود.

شیعه در معرض اتهام:

متأسفانه پیروان اهل بیت عصمت و طهارت در طول تاریخ، به علل و انگیزه های مختلف سیاسی - مذهبی مورد اتهام و افترا قرار گرفته اند و مطالب ناروا و

اهل سنت چنین نقل شده است:

«من أدركه الأذان في المسجد ثم لم يخرج لحاجة و هو لا يريد الرجوع فهو منافق»^{۱۶}

متن این حدیث و تشدید در این حکم که خروج از مسجد پس از اعلان وقت نماز به نفاق تشبیه شده و چنین شخصی بعنوان منافق معرفی گردیده است، مضمون روایتی را که محمدبن سنان از امام رضا علیه السلام نقل نموده است، تداعی می کند که آن حضرت در پاسخ پرسش ابن سنان درباره حرام بودن فرار از جبهه، چنین نگاشت: «حرّم الله تعالى الفرار من الزحف لما فيه من الوهن في الدين و الإستخفاف بالرسول و الأئمة العادلة و ترك نصرتهم على الأعداء...»^{۱۷} «خداوند فرار از جنگ را بدان جهت حرام نموده است که این کار موجب تضعیف دین و استخفاف پیامبران و پیشوایان عادل و خودداری از نصرت و یاری جبهه حق در مقابل دشمنان است.»

آری اگر فرار از زحف و تضعیف جبهه حق در جنگها موجب تقویت دشمن و یکی از گناهان کبیره است، فرار از صفوف نماز نیز از نظر فرهنگی عامل

اهل سنت، کتاب «منهاج السنه ابن تیمیه»^{۱۸} است که در قرن هشتم با دید تعصب و عناد عجیبی که بر وی حاکم بود، این کتاب را تألیف کرد و این مطالب ناروا و بی اساس را در آن گنجانید و چون افکار و اندیشه محمدبن عبدالوهاب، بنیانگذار وهابیت ملهم از فکر و اندیشه و برگرفته از تألیفات «ابن تیمیه» است، لذا تألیفات او از نظر وهابیان دارای جایگاه ویژه‌ای است و در سطح دنیای اسلام به قیمت نازل و حتی رایگان منتشر می‌شود و استناد اکثر مؤلفان و نویسندگان و خطبا و گویندگان روز، در معرفی شیعه به این کتاب و مانند آن است.

نمونه‌ای از مطالب منهاج السنه در باره شیعه

گرچه محتوای این کتاب چهار جلدی، سراسر هوچیگری و خلاف‌گویی بر ضد شیعه است، لیکن برای آشنایی خوانندگان، چند نمونه از مطالب آن را نقل می‌کنیم، او می‌گوید:

۱- شیعیان گروهی هستند که تجاوز به مال و ثروت عموم مردم و همه مسلمانان را حلال می‌دانند!

۲- شیعیان ریختن خون همه مسلمانان را جایز می‌دانند!

بی اساس فراوان به شیعیان که پیروان واقعی قرآن مجید و سنت رسول خدا ﷺ هستند، بعنوان روافض، نسبت داده شده است و این شرایط در بعضی از مقاطع تاریخ؛ مانند دوران بنی امیه و بنی مروان و بخشی از دوران خلفای بنی عباس و همچنین در دوران بعضی از سلاطین عثمانی که بخش عمده کشورهای اسلامی را در اختیار داشتند، از حدت و شدت بیشتری برخوردار بوده است و این اتهامات و مطالب دروغ و بی اساس، نه تنها در افواه عموم رواج داشته بلکه در متن کتاب‌ها و تألیفات زیادی نیز منعکس گردیده است و از این طریق، از شیعیان اهل بیت عصمت و طهارت قیافه مشوهی ارائه داده‌اند و آنان گروهی دور از فرهنگ اسلام و مخرب سنت و قرآن معرفی شده‌اند.

نمونه‌ای از این کتابها:

کتاب‌هایی که در قرن‌های گذشته بر ضد شیعه نوشته شده، آنچنان فراوان است که نمی‌توان شمار دقیق آنها را به دست آورد و مؤلفان آنها را شناساند. مع الأسف منبع اصلی و ام‌الکتاب اکثر این تألیفات، پس از قرن هشتم، به جای منابع اصیل از شیعه و

درباره شیعه تدوین گردیده و پس از ذکر نمونه‌ای از محتویات این کتاب‌ها، لازم است به بعضی از حوادث هولناک و دیدگاه‌های انحرافی و خطرناک نیز اشاره کنیم؛ حوادثی که در مقاطع مختلف در مکه و مدینه و در موسم حج بر ضد شیعه به وقوع پیوسته و دیدگاه‌هایی که در میان مردم آن سامان و در افواه عوام نسبت به شیعه وجود داشته و احياناً تا امروز نیز ادامه دارد تا شیعیان در سراسر جهان، به ویژه علما و روحانیون و دست‌اندرکاران مسائل حج با این مطالب بیشتر آشنا شوند و در دفاع از کیان شیعه بپاخیزند و همت خویش را در زدودن این اوهام و ذهنیت‌های ناروا و در بر طرف ساختن این دیدگاه‌های نادرست بکار ببندند و در اثبات بطلان محتوای کتاب‌های آنچنانی، که بجز عمل کردن به مضمون روایات معصومین علیهم السلام و اجرای دقیق حکم امام علیه السلام راهی بر آن نیست، تلاش نمایند. گرچه شاید از نظر بعضی‌ها، طرح این مطالب مخالف با روح وحدت و مباین با اصل مصلحت تلقی شود ولی ما اگر امروز از ذکر حقایق خودداری و از بیان واقعیات استنکاف کنیم، بر ادامه این بدبینی‌ها در آینده کمک کرده و بر توسعه این شکافها و

۳- شیعیان از میان فرشتگان جبرئیل را دشمن می‌دارند؛ زیرا معتقدند که او از طرف خدا مأمور بود وحی را به علی بن ابی طالب بیاورد، ولی به اشتباه یا از روی دشمنی، به جای علی، به پیامبر فرود آورد! ۴- از آنجا که شیعه با عشره مبشره (ده تن از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله) مخالف بوده و با آنها دشمنی دارند، با بکار بستن کلمه «عشره» یعنی عدد ده و انجام دادن هر کاری که در آن، عدد ده باشد نیز مخالف هستند و آن را ناروا می‌دانند، حتی از ساختن بنایی که دارای ده ستون و ده پایه باشد خودداری می‌کنند!

۵- عقلای مسلمان اتفاق نظر دارند که در میان اهل قبله، از نظر جهل و ضلالت و دروغ و بدعت و آمیختگی با هر شرّ و بدی و دور بودن از هر خیر و نیکی، هیچ گروهی در حد روافض نیست! ۱۹ و صدها تهمت و افترای دیگر که بعضی از آنها همانگونه که ملاحظه کردید به هذیان‌گویی و یاوه‌سرایی شبیه‌تر است تا بیان یک مطلب جدی!

حوادث هولناک و دیدگاه‌های

خطرناک:

در پی آشنایی اجمالی با کتاب‌هایی که

تهدمت‌ها یاری نموده‌ایم.

تهدمت تلویث کعبه!

یکی از حوادث هولناک و افتراهای خانمان‌برانداز، که با دست سیاست‌بازان و توطئه‌گران بر ضد شیعه بکار گرفته شده و از اقداماتی که برای موهون ساختن شیعه به وقوع پیوسته، اتهام آنان به تلویث کعبه است؛ بدینگونه که با اقدامات و توطئه‌های از پیش ساخته، شیعیان را که از مسافت‌های دور برای انجام مراسم حج و زیارت‌خانه خدا به مکه مشرف شده‌اند، متهم نموده‌اند که آنان - العیاذ بالله - طبق عقیده‌ای که دارند کعبه را با نجاست آلوده ساخته‌اند و این اتهام را نه یکبار که مکرر و به دفعات وارد ساخته‌اند و هر بار شیعیانی را در ملاء عام و در مقابل چشم حجاج و زائران کشورهای مختلف گردن‌زده‌اند تا این واقعه در میان همه مسلمانان و در اقصی نقاط عالم منعکس شود و بیشترین تأثیر خود را در تشویه قیافه شیعه در دنیای اسلام بگذارد.

﴿تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ
الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا﴾

۱- سباعی، ۲۰ مورخ معاصر سعودی،

در تاریخ مکه خود، آنجا که از حوادث و جریانات مهم مکه و مسجدالحرام سخن می‌گویند، اینگونه می‌نویسد: «در شوال سال هزار و هشتاد و هشت، زائران و طواف کنندگان مشاهده کردند که کعبه معظمه با ماده‌ای که شبیه مدفوع انسان است آلوده شده و در اثر یک عقیده قدیمی که نمی‌دانم چگونه پدید آمده و عقول چگونه آن را پذیرفته است؟! شیعیان را بر این عمل متهم و گروهی از آنان را با این اتهام سنگسار و گروه دیگر را گردن زدند.»

سباعی آنگاه می‌افزاید: «ذین‌دحلان^{۲۱} از عصامی^{۲۲} مورخ و دانشمند مکی که این حادثه در دوران او اتفاق افتاده، نقل کرده است که: «من آنچه را که آن روز کعبه با آن آلوده شده بود از نزدیک مشاهده کردم و برایم معلوم شد که آن ماده عجیب و مخلوطی است از عدس و نوعی سبزی و روغن بد بو که دارای رنگ و بوی مدفوع انسان بوده و می‌توانست هر ناظر را به اشتباه بیندازد و بر مدفوع بودن آن اذعان کند.»

سباعی که مورخ و نویسنده‌ای معتدل است، پس از نقل این حادثه می‌گوید: «ولی آنچه مایه تأسف شدید است این است که مردم تا امروز درباره شیعه چنین تصور



آن زمان، در مکه اقامت کردند تا در سال بعد و پس از انجام مراسم به اوطان خویش مراجعت نمایند که در این فاصله، به آلوده ساختن کعبه متهم شدند و مردم بر ضد آنان قیام کرده و شورش عجیبی به راه انداختند و از امیر مکه مجازات عاملان آن جنایت (موهوم) را درخواست کردند و بالأخره او را بر این اقدام مجبور نمودند.

سباعی و ذینی دحلان که این حادثه را نقل کرده‌اند، به کشته شدگان آن اشاره‌ای ندارند ولی می‌گویند شیعیان که مجبور به ترک مکه و فرار به طائف و جدّه شده بودند، پس از آرامش مجدداً به این شهر برگشتند.^{۲۴}

سبّ شیعه:

در سال ۱۱۵۷ ه. ق. چهارده سال پس از حادثه شوم اتهام تلویث کعبه در خطبه‌های نماز جمعه حرمین شریفین و سایر مساجد در مکه و مدینه به دستور شریف مسعود حاکم حجاز لعن بر شیعه شروع و سبّ و ناسزایی بر شیعیان (روافض) از اجزای خطبه نماز جمعه محسوب گردید.^{۲۵}

و اما اینکه این عمل چند سال ادامه داشته، در منابع اشاره‌ای بر آن نشده است؛

دارند که در مذهب آنان اعمال حج کامل نمی‌شود مگر با تلویث کعبه!»

آنگاه اضافه می‌کند: «در صورتی که اگر عقل را به حکمیت بطلیم بی‌اساس بودن چنین تصور روشن خواهد شد؛ زیرا به مقتضای چنین عقیده‌ای باید هر سال در موسم حج، کعبه هزاران بار و به تعداد حجاج شیعه ملوث و آلوده شود! ولی چه باید کرد که ما وقتی در مقابل مخالفان قرار می‌گیریم، عقل را از دست می‌دهیم و هر سخن ناروا را بر زبان می‌رانیم!»^{۲۳}

به نظر می‌رسد که: استدلال سباعی بر نفی این تهمت و نکوهش وی از وجود چنین بینش نسبت به شیعه، همانگونه که خود اشاره نموده، نشانگر آن است که چنین تصویری در سطح وسیع بوده و در میان اقشار مختلف جامعه او رسوخ داشته و او در واقع در سطح گسترده‌ای از این بینش انحرافی قرار گرفته که اینچنین به دفاع پرداخته و بر خلاف مسیر فکری جامعه خویش، حرکت نموده است.

۲- این حادثه در سال ۱۱۴۴ ه. و به فاصله ۵۶ سال از حادثه اول تکرار شد و در سال ۱۱۴۳ ه. چند قافله از شیعیان دیرتر از موسم حج به مکه وارد شدند و از انجام مراسم حج محروم گردیدند و طبق معمول

زیرالعن کردن گروهی از مسلمانان بر گروهی دیگر، آن هم در موسم حج و در خطبه مهبط وحی و جایگاهی که همه مسلمانان به سوی آن نماز می‌خوانند با هیچ منطقی سازگار نبوده تا جزئیات آن در کتب تاریخ منعکس شود.

شرایط کنونی ما:

ممکن است با مطالعه این حوادث و محتویات این کتاب‌ها، تصور شود که این تألیفات مربوط به گذشته‌های دور و وقوع این حوادث متعلق به دوران حکومت‌هایی بوده که از نظر سیاسی با شیعیان در جنگ و نزاع بودند و از طرفی از ناآگاهی مسلمانان و بی‌اطلاعیشان که هر تهمت و افترا را به سادگی می‌پذیرفتند سوء استفاده می‌کردند.

ولی با یک توجه به شرایط کنونی و حقایق موجود، معلوم خواهد شد که این مسائل در دوران معاصر نه تنها فروکش نکرده بلکه با تحوّل زمان گسترده‌تر و عمیق‌تر نیز گردیده است.

اگر در قرون گذشته کتاب‌هایی مانند «منهاج السنه» نوشته می‌شد، امروز نه تنها از طریق کتاب‌های فراوان و مقاله‌های متنوع، بلکه از راه «اینترنت» و «ماهواره»

نیز مطالبی به ظاهر علمی و متناسب فرهنگ روز، در سراسر دنیا بر ضدّ شیعه منتشر می‌گردد و در بعضی از کشورها همان مطالب بی‌اساس و افتراهای خانمان برانداز، به صورت متون درسی به دانش‌آموزان تدریس^{۲۶} و تخم ذهنیت بدبینی نسبت به شیعه از دوران کودکی در دل‌ها افشانده می‌شود و از طریق نواری به درون خانه هر شهر نشین و روستایی راه پیدا می‌کند.

و به قول یکی از شخصیت‌های بااطلاع، تنها در بیست سال اخیر، بیش از سیصد جلد کتاب بر ضد شیعه منتشر گردیده است^{۲۷} و اگر در قرن یازدهم و دوازدهم - که به نظر می‌رسد مواجهه صفویه با سلاطین عثمانی در متهم ساختن شیعه بی‌تأثیر نبوده - چنین برنامه‌هایی اجرا و از نظر افکار عمومی مورد قبول واقع می‌شد، در قرن معاصر همان تهمت تکرار می‌شود و در ذی‌حجه سال ۱۳۶۲ ق. مطابق با سال ۱۳۲۲ ش. پنجاه و شش سال قبل، حادثه قتل ابوطالب یزدی به همان اتهام آلوده کردن بیت شریف رخ می‌دهد.^{۲۸} و خبرگزاری‌های کشورهای اسلامی آن را بعنوان مهمترین خبر روز، پخش می‌کنند، و همین حادثه بود که موجب قطع رابطه

دختران مدینه اشاره می‌کند، می‌گوید تأسف این است که می‌بینیم بعضی از نویسندگان ما، شیعیان محله «نخاوله» مدینه را از نسل فرزندان نامشروع همان جنگ حره معرفی می‌نمایند و اضافه می‌کند: اسف‌بارتر اینکه بعضی عوام الناس تا امروز تحت تأثیر همین مطالب بی‌اساس قرار گرفته و بر این مسلمانان، با همین دید می‌نگرند.^{۳۰}

و باز خطرناک‌تر این است که در حادثه اسف‌بار جمعه خونین، چون تبلیغ می‌شود که علت این برخورد شدید با ایرانیان، تصمیم آنان بر انتقال حجرالأسود به شهر قم و ویران نمودن بیت الهی بود! گروهی از اقشار مختلف در اثر ذهنیت غلط و سابقه بدبینی، این دروغ بزرگ را به آسانی می‌پذیرند و آن را تأیید می‌کنند.

حکم امام:

این بود گوشه‌ای از شرایط کنونی ما و بخشی از آنچه در طول تاریخ بر ما گذشته است و نیز آنچه ممکن است قرن‌ها ادامه یابد؛ زیرا با وجود دو عامل قوی و مؤثر؛ یعنی انگیزه‌هایی در جهت تقویت و پیشبرد یک خط فکری - مذهبی و تلاش بر تضعیف خط فکری مقابل و اختیار انزو و

ایران و سعودی و محروم شدن حجاج ایرانی از شرکت نمودن در مراسم حج به مدت پنج سال گردید و...

وقوع این حوادث و پیدایش این اتهامات و افتراها، گرچه ضربه هولناکی است بر کیان اسلام و جریحه التیام‌ناپذیری است بر پیکر آیین، ولی هولناک‌تر از آن، وجود زمینه پذیرش این اتهامات از سوی افکار عمومی و تلقی این افتراها به صورت یک واقعیت درباره جهان شیعه است.

و خطرناک‌تر از وقوع این نوع حوادث، بُعد دیگر آن است که مورخ معاصر سعودی اشاره کرده است:

«و شد ما يؤسفني أن يتوهم الغامّة إلى اليوم أنّ شيعة العجم لا يتمّ حجهم في مذهبهم إلاّ اذا لوث الكعبة الحاج ٢٩»

«آنچه مایه تأسف شدید من است، این است که تا امروز در میان عوام الناس نسبت به شیعیان این عقیده وجود دارد که بر اساس مذهب آنان اعمال حج کامل نمی‌شود مگر با آلوده کردن کعبه!»

و باز خطرناک‌تر این است که، هم او، آنجا که بعنوان مورخ جنگ حره را مطرح و به تجاوز لشکریان یزیدبن معاویه به زنان و

دارای سابقه و پیشینه تاریخی است؛ به طوری که نه به یک قرن و دو قرن و یا ده قرن قبل، بلکه به زمانی منتهی می شود که رسول خدا ﷺ به عالم بقا شتافت و طبعاً در قرون اولیه اسلام و در زمان ائمه هدی ﷺ در اثر اختلاط و امتزاج شیعه و اهل سنت از یکطرف و وجود اختلاف نظر از سوی دیگر، موجب بحث و گفتگو و طرح سؤال در مسائل مختلف؛ از جمله حضور و عدم حضور در مساجد و شرکت نمودن در نمازهای جماعت اهل سنت پدید آمد، به خصوص در شهر مدینه که جز مدت کوتاهی، حکومت و امامت جماعت در اختیار اهل سنت بوده و بیشتر اوقات این سمت را والیان و حاکمان شخصاً بعهده می گرفتند.

منابع حدیثی ماگویی این واقعیت است که این موضوع در محضر ائمه هدی ﷺ مطرح و مورد سؤال قرار گرفته است. همانگونه که از دیدگاه اهل سنت نیز بدور نمانده و احادیث متعددی در این باره، در منابع مورد اعتمادشان منعکس شده است، با این تفاوت که بر خلاف مضمون روایات شیعه که رابطه مستقیم با موضوع مورد بحث دارد، احادیث اهل سنت دارای مفهوم کلی و غالباً در مقام نکوهش کسانی

دوری پیروان این خط از صحنه اجتماعات و نمازها، که به طور ناخودآگاه خواسته گروه اول را تأمین و زمینه پذیرش اهداف آنها را در خارج ساختن گروه مقابل از صحنه بین المللی - اسلامی را فراهم می نماید، نه تنها امیدی برای برطرف نمودن آن ذهنیت های غلط و بینش های خطرناک و خلاف واقع وجود ندارد بلکه هر چه زمان پیش می رود و هر چه صفوف از هم دورتر می شود، دامنه برخوردها و سمپاشی ها بر ضد ما و بر ضد اصول اعتقادی ما گسترده تر می گردد. اینجا است که پیام حیات بخش امام راحل ﷺ خطاب به شیعیان جهان و حکم حضور آنان در صحنه عبادی - سیاسی نماز حریم شریفین صادر می شود:

«لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها، از اعمال جاهلانه که موجب تفرق صفوف مسلمین است، احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل جماعت در منازل... جدا اجتناب کنند.»

نگاهی به روایات:

می دانیم که اختلاف نظر در بعضی مسائل کلامی و فقهی، در میان مسلمانان

صف نماز آنان را نکوهش کرده‌اند.

بخش اول:

در این بخش به نقل دو روایت بسنده می‌کنیم:

۱- زید شحام از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «یا زید خالقوا الناس بأخلاقهم صلّوا فی مساجدهم و عودوا مرضاهم، و اشهدوا جنازهم و ان استطعتم ان تکونوا الائمة و المؤذنین فافعلو فانکم اذا فعلتم ذلك قالوا هولاء الجعفریة رحم الله جعفرأ ما کان احسن ما یؤدب اصحابه و اذا ترکتم ذلك قالوا هولاء الجعفریة فعل الله بجعفر ما کان سوء ما یؤدب اصحابه»^{۳۲}

«ای زید، با اهل سنت معاشرت کنید، در مساجدشان نماز بخوانید و از مریضانشان عیادت و در تشییع جنازه‌شان شرکت کنید و اگر توانستید امامت جماعت و اذان گفتن در مساجد آنها را خود شما بعهده بگیرید که اگر با آنان چنین معاشرتی داشتید خواهند گفت اینها جعفری هستند و خدا رحمت کند جعفر بن محمد را که پیروان خود را اینچنین نیکو تربیت نموده است و اگر این

است که بهنگام نماز و با شنیدن صدای اذان مسجد را ترک و از صفوف مسلمانان جدا می‌شوند که روحانیون و خطبای اهل سنت و نویسندگانشان همواره، مضمون این احادیث را وسیله تبلیغ بر ضد شیعه قرار داده و برای محکومیت آنان، از این احادیث بهره‌برداری می‌کنند.

روایات شیعه:

در مورد تشویق و ترغیب شیعیان جهت حضور در نماز جماعت اهل سنت، همچنین رابطه شیعیان با آنان، روایات بسیاری در منابع حدیثی ما وارد شده است.^{۳۱}

صاحب وسایل در این زمینه، نزدیک به بیست روایت آورده که می‌توان آنها را به دو بخش مستقل تقسیم کرد:

بخشی از آنها دارای جنبه ترغیب و تشویق و ایجاد انگیزه در جهت ارتباط و امتزاج و معاشرت نیک با اهل سنت و حضور در نماز آنان و دوری از اختلاف و تفرقه با آنها است.

و بخش دیگر به موضوع نماز اختصاص دارد و در این روایات ائمه علیهم السلام پیروان خویش را بر حضور در نماز جماعت اهل سنت تشویق و جدا شدن از

نیکو تربیت کرده است! و اگر در میان شما و آنان فاصله بیفتد و شما در مساجد و در نمازهایشان شرکت نکنید، نه تنها نسبت به شما بدبین و از شما منزجر خواهند شد، بلکه خواهند گفت اینها جعفری هستند خدا به جعفر بن محمد انصاف دهد که نتوانسته است پیروان خود را نیکو تربیت کند!

۲- عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل می‌کند که می‌فرمود: «أوصيكم بتقوى الله عزوجلّ و لا تحملوا الناس على اکتافکم فتذلّوا ان الله تبارک و تعالی يقول في کتابه و قولوا للناس حسناً ثم قال عودوا مرضاهم و اشهدوا جنازتهم و اشهدوا لهم و عليهم و صلّوا معهم في مساجدهم»^{۳۳}

«بر شما وصیت می‌کنم تقوای خدا را و این مردم را بر پشت خود سوار نکنید تا در جامعه ذلیل باشید (کاری نکنید که مورد تحقیر و بدبینی افراد این جامعه باشید)؛ زیرا خداوند در کتاب خود می‌فرماید: به مردم نیک بگویید. سپس فرمود مریض‌های آنان را عیادت و در تشییع جنازه‌شان شرکت کنید و در اختلافاتشان شهادت بدهید. خود را جزو

نوع معاشرت را ترک کنید خواهند گفت خدا به جعفر بن محمد انصاف دهد که نتوانسته است پیروان خود را با آداب نیک تربیت کند.»

در این روایت می‌فرماید «إذا فعلتم ذلك قالوا هولاء الجعفرية...»

مفهوم این جمله این است: گذشته از حفظ موقعیت و ارزش والای خود شماها، شناخت مخالفین شما از ائمه (ع) به وسیله عملکرد شما خواهد بود؛ زیرا آنها نه تنها ائمه شما را ندیده و با شخصیت علمی و معنوی آنان آشنایی ندارند بلکه در اثر تحریف حقایق در طول تاریخ و در اثر اجرای سیاست‌های روزمره در میان عده‌ای از مسلمانان، ائمه شما در حد یک محدث معمولی نیز مطرح نگردیده و شخصیت آنان در پشت ابرهای ضخیم سیاست‌ها و تعصبات قرار گرفته است، پس اگر شما با آنان معاشرت نیکو داشته باشید که در مرحله اول در حضور در مساجد و نمازها و عیادت مریض‌ها و تشییع جنازه آنها متجلی است، نه تنها عمل شما را تحسین کرده و شما را خواهند ستود بلکه به ائمه و پیشوایان شما نیز علاقه‌مند شده، خواهند گفت: خدا رحمت کند جعفر بن محمد را که پیروان خود را چه



«هزکس با اهل سنت در صف اول
جماعتشان نماز بخواند، مانند کسی است
که در صف اول در پشت سر
رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم نماز خوانده است.»

این مضمون را حلبی با تفاوت
مختصر از امام صادق عليه السلام چنین نقل کرده
است: «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ
كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم». ۳۵

۲- اسحاق بن عمار می گوید: امام
صادق عليه السلام به من فرمود: «يَا اسْحَاقُ أَصَلَّيْ
مَعَهُمْ فِي الْمَسْجِدِ؟ قُلْتُ نَعَمْ، قَالَ: صَلِّ
مَعَهُمْ فَإِنَّ الْمُصَلِّيَ مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ
كَالشَّاهِرِ سَبِيْلَهُ فِي سَبِيْلِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم». ۳۶

«ای اسحاق، آیا با اهل سنت در مساجد
آنان نماز می گزاری؟ عرض کردم: آری،
فرمود: با آنان نماز بخوان؛ زیرا (از شما)
کسی که با آنان نماز می خواند و در صف
اول قرار می گیرد مانند کسی است که در
راه خدا شمشیر می کشد.»

۳- علی بن جعفر از برادرش حضرت
موسی بن جعفر عليه السلام نقل می کند که فرمود:
«صَلِّي الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ خَلْفَ مَرَّوَانَ وَ
نَحْنُ نُصَلِّي مَعَهُمْ».

«همانگونه که حسن و حسین در پشت سر
مروان نماز گزارند، ما هم در پشت سر

نزدیکترین افراد به آنان قرار دهید و با
آنان در مساجدشان نماز بخوانید.»

مفهوم جمله «و لا تحملوا الناس
علی اکتافکم فتذلوا» این است: مبادا
کاری کنید که مخالفان شما در جایگاهی
برتر از شما قرار بگیرند و شما در مقابل
آنها حقیر و ذلیل باشید، بلکه باید برخورد
شما با آنان از موضع افتخار و عزت باشد که
شما پیروان واقعی سنت پیامبر خدا و
راهیان طریق اهل بیت او می باشید و این
افتخار و عزت را در سایه ارتباط و حسن
رفتار با آنان و حضورتان در مساجد و
نمازها و عیادت مریض و شرکت نمودن در
تشییع جنازه آنها که دلجویی و اظهار
محبت به بازماندگان شما می باشد تحقق
ببخشید و حفظ نمایید.

بخش دوم:

و روایاتی که به خصوص درباره
حضور در نماز جماعت اهل سنت وارد
شده است:

۱- حماد بن عثمان می گوید:
امام صادق عليه السلام فرمود: «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي
الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ
رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ». ۳۴

ائمه جماعت اهل سنت نماز
می خوانیم!»^{۳۷}

این روایت را شیخ حرّ عاملی نقل
کرده است.^{۳۹}

۴- در بعضی از این روایات آمده
است اگر کسی از شما نماز خود را قبل از
ورود به مسجد، به طور فرادا بخواند، آنگاه
وارد مسجد شود، در حالی که نماز
جماعت اهل سنت تشکیل شده است، اگر
با آنها وارد نماز بشود، «کتاب الله له خمساً
و عشرين ذرّجة»

علامه مجلسی پس از نقل این
روایت، می گوید: امام علیه السلام با بکارگیری کلمه
«مؤلفه» می خواهد به آنان بفهماند که شما با
این عمل خود، نشان دادید که مؤمن واقعی
نیستید بلکه از «مؤلفه قلوب» و از کسانی
هستید که برای اهداف مادی به اسلام روی
آورده اند.

و در روایت دیگر در همین زمینه
آمده است:

سپس می گوید: این روایت دلیل بر
شدت ممنوعیت خارج شدن از مسجد در
فاصله اذان و نماز است.^{۴۰}

«اما تحبّ أن تحسب لك بأربع و
عشرين صلاة».^{۳۸}

در احادیث اهل سنت:

«آیا دوست نداری که برای تو ثواب بیست
و چهار نماز نوشته شود؟»

«إذا نودي بالصلوة أدبر الشيطان و
له ضراط حتى لا يسمع الأذان»^{۴۱}

۵- در روایت جالبی، یونس بن
یعقوب می گوید: امام صادق علیه السلام به بعضی از
شیعیانش به وسیله من این پیام را فرستاد:

«زمانی که اذان نماز گفته می شود،
شیطان برای اینکه صدای اذان را نشنود
پشت به مسجد می کند در حالی که بادی
از وی خارج می شود.»

«قُلْ لَهُمْ يَا مَوْلَانَا قَدْ رَأَيْتَ مَا
تَصْنَعُونَ إِذَا سَمِعْتُمُ الْاَذَانَ اخذتم
نعالكم و خرجتم من المسجد».

و در بعضی از این احادیث، به جای
«ادبر» کلمه «هرب» آمده است.

«به آنان بگو ای مولفه، من عکس العمل
شما را مشاهده کردم آنگاه که صدای
اذان را شنیدید کفش های خود را
برداشتید و از مسجد بیرون رفتید.»

مطلب قابل توجه این است که: این
حدیث، گذشته از اینکه از حدیث های
رایج و معروف در منابع اهل سنت است^{۴۲}
«بگونه ای که در صحیح بخاری در چهار

است که از باب حفظ مراتب «اهم» و «مهم» در تقیه، می‌توان از انجام دادن نماز مطابق فتوای شیعه صرف نظر کرد، که در زمان صدور این روایات، چنین وضعیتی حاکم بوده ولی امروز چنین نیست و مضمون روایات دیگری که در این گونه نمازها به حفظ و مراعات احتیاط دلالت می‌کنند، مؤید این مطلب است.

در پاسخ می‌گوییم: اصل اختلاف در مسائل فقهی مورد قبول است و ما هم تا اینجا با شما موافقیم، ولی مهم این است که باید توجه کنیم ما امروز در چه وضعیتی به سر می‌بریم و چه جوی در فضای فعلی شیعه و اهل سنت حاکم است و اگر به صفحات گذشته این مقاله توجه شود و بر آنچه تحت عنوان «شیعه در معرض اتهام» و «شرایط کنونی ما» مطرح گردید، دقت کنیم و با مضمون دو روایت که در بخش اول روایات آوردیم تطبیق دهیم، روشن می‌شود که این روایات بیش از آنکه ناظر به زمان صدور آنها باشد به وضع فعلی ما شامل و ناظر است؛ زیرا در زمان ائمه علیهم السلام فاصله تسنن و تشیع کمتر از زمان حال بوده و ارتباط ائمه علیهم السلام با جامعه، با محدودیتی که داشتند، باز هم بکلی قطع نشده بود. آری، اگر در آن وضعیت، حفظ کیان تشیع و حفظ

مورد آمده است، در السنه و افواه عموم در شهر مکه و مدینه هم معروف و مشهور است و بارها دیده‌ایم که کسبه و اصناف خطاب به افرادی که بهنگام اذان به سوی منزلشان در حرکت هستند، به مضمون همین حدیث مترنم می‌گردند:

«الشیاطین یفرون، الشیاطین یفرون».

زمان فعلی ما مشمول این روایات است:

به طوری که ملاحظه کردید، ائمه هدی علیهم السلام در این روایت‌ها، با بیانات گوناگون، پیروان خویش را به مشارکت با اهل سنت در مسائل اجتماعی و به خصوص بر حضور در نماز آنان توصیه و تأکید کرده‌اند. و مضمون این روایات و مشابه آنها است که می‌تواند یکی از دلایل حکم امام راحل علیه السلام هم باشد.

ولی در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که: با توجه به اختلاف نظر در شرایط و اجزای نماز در دو دیدگاه فقهی شیعه و اهل سنت، ممکن است اقتدا کردن به امام جماعت اهل سنت و نادیده گرفتن این شرایط ناظر به موارد خاص بوده و این روایات بیانگر حالت ویژه و فوق‌العاده‌ای

حیثیت و عزت و کرامت پیروان اهل بیت و معرفی صحیح انمه علیهم السلام بر پیروانشان لازم بوده، امروز با گسترش اسلام و پیدایش عوامل فاصله و دوری جامعه اسلامی از شناخت اهل بیت و جهان شیعه، این وظیفه لازم تر شده و زدودن لایه های متراکم افتراها و تهمت های ناروا از وظایف بزرگ و از واجبات حتمی ما گردیده است و شما در نامگذاری آن مختارید که بگویید «تقیه» یا «ایفای وظیفه».

در این نمازها لازم و ضروری است، منتهی مقلدین مراجعی که در مبنا با امام موافق نیستند، نماز خود را احتیاطاً اعاده می کنند و وظیفه خود را از هر دو جهت انجام می دهند؛ همانگونه که در موارد بسیاری اینسچنین عمل می کنیم و راه احتیاط را برمی گزینیم؛ به ویژه در مسجدالنبی و مسجدالحرام که هر رکعت نماز در آنها، به ترتیب، ثواب هزار رکعت و ده هزار رکعت را دارد.

حکم امام و فتوای احتیاط آمیز:

پرسش دیگری که در زمینه حکم امام می توان مطرح کرد، این است که: با وجود فتوای بعضی از فقها و مجتهدین در مورد حفظ احتیاط در اقتدا به امام جماعت اهل سنت، که دو بینش متفاوت در فقه پیش می آید، وظیفه مقلدین این مراجع در این نمازها چیست و باید چگونه عمل کنند؟

گرچه با توجه به مطالب گذشته و بر اساس حکم امام راحل علیه السلام با حضور در این نمازها عمل به احتیاط تحقق می پذیرد و ترک این حضور است که خلاف احتیاط به حساب می آید. همانگونه که در مسأله رؤیت هلال، حتی در صورت علم به خلاف (طبق بعضی از فتاوی) و با اهمیتی که اعمال حج به ویژه وقوفین بعنوان دو رکن مناسک از آن برخوردار است، احتیاط در تبعیت حکم صادره از سوی قضات اهل سنت می باشد و عدم تبعیت و عمل نمودن بر خلاف حکم آنان جایز نیست.

صدور حکم یا بیان فتوا:

و آخرین پرسش این است که: این حکم امام مسأله ای است مسبوق به سابقه و

پاسخ: اصل استحباب اقتدا و شرکت نمودن در این نمازها اتفاقی است و همه مراجع و فقها آن را تأیید می کنند، بنابراین، بر همه شیعیان از هر گوشه دنیا و از هر مرجعی که تقلید می کنند و در آینده تقلید خواهند کرد، در جهت تبعیت از حکم امام و انجام یک عمل مستحب مؤکد، حضور



گسترده و چشمگیر نماید که گاهی سایر مسلمانان را تحت الشعاع قرار می‌دهند.

همانگونه که این حکم نقش مؤثری در توجه دادن فقها و مجتهدین و مدرسین حوزه‌های علمیه به این مسأله را ایفا نموده است و مسلماً مجتهدین و مراجع آینده با الگو قرار دادن حکم امام علیه السلام موضوع را با دید عمیق‌تر و از منظر جدیدتری بررسی و بر اساس آن فتوا صادر خواهند نمود.

خلاصه، این حکم امام مانند حکم او در مورد سلمان رشدی است که در طول قرن‌های گذشته، نه تنها فقهای شیعه بلکه علما و دانشمندان اهل سنت نیز به ارتداد و مهدورالدم بودن «سأب النبی» فتوا داده‌اند. ولی این فتوا تاکنون دارای اثر عملی و عینیت خارجی نبوده است؛ زیرا فتوایی بوده در لابلای کتب فقهی و یا حدیثی بوده در میان احادیث فراوان در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت.

و دیدیم آنگاه که دشمنان به مصاف اسلام و قرآن آمدند و آنگاه که هتک حرمت پیامبر عظیم‌الشان ما را هدف قرار دادند، حکم امام چگونه شربت تلخ و زهرآگین شکست فضااحت‌بار را به کامشان فرو ریخت که با گذشت زمان

در کتب فقهی و فتاوی علمای گذشته نیز مطرح گردیده و حتی طبق فرموده امام، به عدم لزوم اعاده چنین نمازی هم فتوا داده‌اند. همانگونه که صاحب جواهر علیه السلام می‌فرماید: «ثم إن ظاهر النصوص و الفتاوی عدم وجوب اعاده هذه الصلوة...»^{۴۳}

در پاسخ این پرسش باید گفت: مطرح بودن مسأله به صورت فتوا، در قرون گذشته و از سوی فقها، جای تردید نیست ولی آنچه بر حکم امام از سایر فتاوی امتیاز می‌بخشد و اهمیتش را می‌رساند، این است که این موضوع در طول تاریخ و در منابع فقهی به صورت یک «فتوا» مطرح بوده و نه به صورت «حکم» و اجرای عملی. بنابراین در مقام عمل هیچ ظهور و بروزی نداشته است و در طول تاریخ از میان صدها هزار نفر شیعه که سالانه از سراسر جهان در مراسم حج و برای عمره وارد مکه و مدینه گردیده‌اند، تعداد عمل‌کنندگان به این فتوا شاید از تعداد انگشتان یک دست کمتر بوده است و هیچگاه خود را موظف به حضور در این نمازها ندانسته‌اند و صدور این حکم بود که پس از قرن‌ها توانست تحوّل عظیم و شگرفی به وجود آورد و حضور شیعیان در نمازها و مساجد را آنچنان

هنوز هم صدای ناله و ضججه‌شان به گوش
 می‌رسد و هنوز هم نتوانسته‌اند زخم عمیق
 شمشیر حکم امام راکه بر پیکرشان وارد
 شده است التیام بخشند.
 والسلام علیه يوم وُلِد و يوم مات و يوم بیعت حیّا

• پانوشتها:

- ۱- صحیفه نور ج ۹، ص ۱۷۶ و کنگره عبادی-سیاسی حج، ص ۳۴، چاپ ۱۳۶۳
- ۲- بقره: ۲۱۷
- ۳- صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۲۹
- ۴- از پیام امام خمینی در تاریخ ۶۵/۵/۱۶ صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹
- ۵- از پیام امام خمینی به مسلمانان جهان به مناسبت برگزاری کنگره عظیم حج ۶۳/۶/۷ صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۴
- ۶- از پیام امام خمینی به زائران بیت الله الحرام، در تاریخ ۶۵/۵/۱۶- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۸
- ۷- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۸۶، تاریخ ۶۰/۷/۱۸
- ۸- از پیام امام خمینی به زائران بیت الله الحرام، تاریخ ۴۹/۱۱/۱۹، صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۲۶
- ۹- از پیام امام خمینی به مناسبت روز عرفه، تاریخ ۵۸/۸/۳۰، صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۲۱
- ۱۰- ۵۹/۸/۱۶ صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۶۳
- ۱۱- آل عمران: ۱۰۳
- ۱۲- المیزان، ج ۳، ص ۴۰۷
- ۱۳- آل عمران: ۱۰۵
- ۱۴- المیزان، ج ۳، ص ۴۰۷
- ۱۵- وسایل الشیعه، ج ۳، ابواب احکام المساجد، باب ۳۵
- ۱۶- سنن ابن ماجه، کتاب المساجد، حدیث ۷۳۴
- ۱۷- علل الشرائع، ص ۴۸۱
- ۱۸- احمد بن تیمیه، از علمای حنبلی مذهب و دارای عقاید انحرافی بود که دانشمندان اسلام نظریات او را رد کردند و بر کتاب‌هایش پاسخ نوشتند و با او به بحث و مناظره پرداختند. علمای مصر و حجاز و عراق بر انحراف او فتوا دادند که پس از چند بار زندانی شدن، در سال ۷۷۸هـ. در زندان شام از دنیا رفت.
- ۱۹- منهاج السنه، ج ۱، ص ۱۳-۶ و ص ۲۵۷

۲۰- احمد السباعی از دانشمندان و مورخان معاصر است که از وی بیش از ده جلد کتاب در موضوعات مختلف، از جمله تاریخ مکه در دو جلد منتشر گردیده و نسخه مورد استفاده ما، ششمین چاپ از این کتاب است که در سال ۱۴۰۴ ه. در مکه طبع و منتشر شده است.

۲۱- احمد بن ذینی دحلان، مفتی مکه، متوفای هزار و سیصد و چهار ه. دارای تألیفات متعدد و مفید است؛ از جمله آنها است «خلاصة الکلام فی بیان امراء البلد الحرام» که در ضمن شرح حال امرای مکه در طول تاریخ اسلام، به تاریخ این شهر نیز پرداخته است.

۲۲- عصامی از علمای قرن یازدهم ه. و از مورخان است. «تاریخ مکه» او جزء منابع برای مورخان پس از وی می‌باشد.

۲۳- تاریخ مکه، ص ۶۸۴

۲۴- سباعی، تاریخ مکه، ج ۲، ص ۴۲۲؛ خلاصة الکلام، ص ۱۸۴

۲۵- سباعی، تاریخ مکه، ص ۴۲۸

۲۶- مانند کتاب «دین الحق» و «دفاع عن امیر المؤمنین یزید بن معاویه!» که هر دو کتاب در کشور سعودی جزو کتاب‌های درسی است و در این دو کتاب، شیعه متهم و مورد تهاجم شدید واقع گردیده است.

۲۷- برای نمونه، الآن در روی میز مطالعه حقیق، دو کتاب از این نوع تألیفات وجود دارد که هر دو کتاب در حجاز چاپ و منتشر شده و تقریباً به کمتر از نصف قیمت در اختیار خریداران قرار می‌گیرد؛ یکی چاپ پنجم «مسألة التقرب بین اهل السنة و الشیعه» است در دو جلد و بیش از هشتصد صفحه. که «ناصر قفاری» آن را به عنوان رساله فوق لیسانس تألیف کرده است. او بیش از چهارصد جلد کتاب از منابع شیعه و اهل سنت را بررسی نموده و برای این هدف به چند کشور اسلامی مسافرت کرده است و کتاب دوم «تبدید الظلام و تنبیه النیام» از یک نویسنده مغرور و هتاک به نام «ابراهیم سلیمان جبهان» است که دو مرتبه چاپ شده، در بیش از پانصد صفحه. در این دو کتاب آنچه تهمت و افترا است به ساحت اهل بیت عصمت و طهارت و پیروانشان نسبت داده شده است! و صدها کتاب از این نوع.

۲۸- خلاصه داستان ابوطالب یزدی که از علما و روحانیون بوده، چنین است:

در تاریخ چهاردهم ذی‌حجه سال ۱۳۶۲ ه. در شهر مقدس مکه اعلامیه‌ای به این مضمون انتشار یافت که: در روز دوازدهم ذی‌حجه ۱۳۶۲ ق. پلیس در بیت‌الله الحرام مردی به نام طالب بن حسین ایرانی از شیعیان ایران را دستگیر کرد. وی زشت‌ترین جرائم را مرتکب شده بود؛ زیرا قاذورات را با خود حمل می‌کرد و به قصد آزار طواف کنندگان و به منظور اهانت به آن مکان مقدس، آنها را به دایره مطاف می‌ریخت، بعد از تحقیق و ثبوت این گناه زشت، حکم شرعی به قتل او صادر شد و در روز شنبه چهاردهم ذی‌حجه درباره وی اجرا گردید!

واقعیت ماجرا این بود که: هنگام طواف، به این زائر روحانی حالت استفراغ روی می‌دهد، برای اینکه دایره مطاف آلوده نشود دامن لباس احرام را جلو دهان خود می‌گیرد و مقداری از آنچه استفراغ کرده در

گوشه لباس احرام جمع می‌شود، چند تن از طواف کنندگان او را دستگیر و به شرطه تحویل می‌دهند و در محکمه نیز شهادت می‌دهند که وی قازورات به همراه داشته و مظاف را ملوث می‌کرده است!

باید توجه داشت که این شبهه برای شهود از همان ذهنیت غلط و سابقه بدبینی نسبت به شیعه که: «شیعیان معتقد به تولیت کعبه هستند» به وجود آمده است. مشروح این جریان را در کشف‌الراییه مرحوم سید محسن امین، ص ۱۴۴ ببینید. و نیز به کتاب وهابیان، تألیف علی اصغر فقیهی، ص ۴۲۳ و روزنامه‌های همان تاریخ مراجعه شود.

۲۹- تاریخ مکه، ص ۳۸۴

۳۰- همان، ص ۹۴-۹۵

۳۱- وسائل، ج ۳، باب پنجم از ابواب صلوة الجماعه؛ فقیه، ج ۱، باب الجماعه. برای پرهیز از تطویل، اسناد روایات را حذف نمودیم

۳۲- من لا یحضره الفقیه - صلوة الجماعه.

۳۳- وسائل، ج ۳، ص ۳۸۲

۳۴- وسائل، ج ۵، باب پنجم «صلوة الجماعه».

۳۵- وسائل، ج ۵، باب پنجم «صلوة الجماعه».

۳۶-

۳۷- وسائل، ج ۵، ص ۳۸۲

۳۸- وسائل، ج ۵، باب پنجم، از ابواب صلوة الجماعه؛ فقیه، ج ۱، باب الجماعه، برای پرهیز از تطویل، از نقل اسناد روایات خودداری کردیم.

۳۹- وسائل، باب ۳۵، از احکام المساجد.

۴۰- بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۲

۴۱- صحیح بخاری، حدیث ۵۸۳، ۱۱۶۴ و حدیث ۱۱۷۴؛ صحیح مسلم، باب فضل الأذان و هرب الشیطان

عند سماعه؛ سنن نسائی، ج ۲، باب فضل التأذین؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۴۸۳

۴۲- این حدیث در بعضی از کتب شیعه، از جمله مستدرک الوسائل و غوالی اللثالی هم آمده است.

۴۳- جواهر الکلام، ج ۱۳، ص ۲۰۰